

بررسی تطبیقی ویژگی‌های شعر حماسی دفاع مقدس با حماسه‌های کهن

مریم سراجی نژاد

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادب فارسی دزفول

دکتر علی محمدگیتی فروز

استادیار زبان و ادب فارسی دانشگاه پیام نور

چکیده

در این مقاله ضمن ارائه تعریفی از حماسه و بیان ویژگی‌های آن و نیز تعریف شعر دفاع مقدس، می‌خواهیم به این پرسش پاسخ بدهیم که آیا اشعار حماسی دفاع مقدس با اشعار حماسی کهن قابل مقایسه‌اند. در معرفی حماسه‌های کهن باید گفت این اشعار چهار ویژگی اصلی دارند: ۱. زمینه قهرمانی، ۲. زمینه ملی، ۳. زمینه خرق عادت، ۴. زمینه داستان. در این میان، دو ویژگی نخست وجه اشتراک اشعار حماسی کهن و شعر دفاع مقدس محسوب می‌شوند و دو ویژگی «خرق عادت» و «داستانی بودن» از وجوه تمایز این دو مقوله به‌شمار می‌آیند اما از آنجا که دو ویژگی اخیر - تفاوت‌ها - در حماسه‌های کهن، ناشی از وجود اختلاف زمانی میان وقوع حماسه‌ها و سرایش آن‌هاست، این دو خصیصه نسبت به دو ویژگی نخست اهمیت کمتری دارند. از طرفی نیز نمی‌توان گفت خرق عادت و داستانی بودن مطلقاً در اشعار دفاع مقدس وجود ندارد. لذا مشاهده می‌شود که وجوه اشتراک بر تفاوت‌ها برتری می‌یابد و در نتیجه، دفاع مقدس را می‌توان حماسه و به تبع آن دفاع مقدس را نوعی شعر حماسی، اما نه از نوع کهن و کلاسیک آن بلکه در کسوتی نو و بدیع، به‌شمار آورد.

شعر دفاع مقدس

مقدمه

با شروع جنگ تحمیلی و به موازات تغییرات و تحولات گسترده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... که در ایران روی داد، ادبیات نیز وارد دوره تازه‌ای از حیات خویش گردید. در این میان، شعر به‌عنوان رسانه‌ای قدرتمند - همچنان که در اواخر دهه ۵۰ وظیفه انتقال آرمان‌های انقلابی را بر عهده داشت - در حفظ وحدت و تقویت روحیه ملی و نیز دفاع از ارزش‌های انقلابی و دینی نقش مهمی ایفا کرد. این سروده‌ها، که با عنوان شعر دفاع مقدس معروف گردیدند، گاه به تهییج و تحریض عواطف ملی - میهنی و دینی به‌منظور دفاع از ارزش‌ها پرداختند و از این جهت، برخی به این قسم اشعار عنوان حماسه داده‌اند. لذا در این مقاله هر جا سخن از شعر دفاع مقدس به میان می‌آید، مقصود چنین اشعاری است. ما در این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که آیا اطلاق عنوان حماسه به چنین اشعاری با

داستان وارد نمی‌کند و آن را به پیروی از امیال خویش تغییر نمی‌دهد و به شکلی تازه، چنان‌که خود بپسندد یا معاصران او بخواهند، در نمی‌آورد و به همین منوال، در سرگذشت و یا شرح قهرمانی‌های پهلوانان و کسانی که توصیف می‌کند هرگز دخالت نمی‌ورزد و به نام خود و آرزوی خویش در باب او داوری نمی‌کند.» (صفا، ۱۳۸۴: ۴)

ویژگی‌های حماسه

بی‌شک حماسه مانند دیگر انواع ادبی، دارای ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فردی است. سیماداد در کتاب «فرهنگ اصطلاحات ادبی»، ذیل عنوان «حماسه» به معرفی ویژگی‌های این گونه ادبی پرداخته است:

«۱. قهرمان اصلی حماسه، معمولاً پهلوان یا نیم‌خدایی است که با اعمال بزرگ و شگفت خود سرنوشت قبیله، قوم یا نژادی را رقم می‌زند ...

۲. حوادث در زمانی دور اتفاق می‌افتد؛ به طوری که بهترین حماسه‌ها معمولاً به اولین اعصار حیات یک ملت یا نژاد تعلق دارند.

۳. بعد مکانی حماسه گسترده است؛ چنان‌که مکان حماسه گاه تمام جهان است.

۴. حماسه گاه بر محور جنگ‌های مافوق بشر استوار است.

۵. گاه خدایان! و موجودات برتر در انجام کارهای بزرگ دخالت می‌کنند.

۶. از حیث شرایط زمانی، حماسه، بیان‌کننده پهلوانی‌ها، جنگ‌ها و رشادت‌های قومی، نژادی و ملی مردمانی است که از جریان تکوین تاریخ تمدن خود بروز داده‌اند.

۷. گرچه در حماسه معمولاً حوادث تاریخ باستان یا حوادث ماقبل تاریخ نقل می‌شود، گاه تحولات شگرف یک جامعه با دگرگونی‌های عظیم و بنیادی در حیات یک ملت نیز می‌تواند منشأ حماسه باشد.

۸. یکی از وزن‌های شعر حماسی در ادب کلاسیک فارسی، بحر متقارب است که از تکرار رکن «فعولن» به دست می‌آید.» (داد، ۱۳۸۸)

توجه به تعریف مصطلح حماسه و نیز خصایص حماسه‌های کهن، صحیح است. ضرورت پاسخ‌گویی به چنین پرسشی این است که با وجود آن می‌توان به سؤالاتی از این قبیل نیز پاسخ گفت: آیا آفرینش حماسه‌ها تنها مختص دوران اولیه حیات یک ملت است؟ آیا عمر حماسه به‌عنوان یکی از گونه‌های ادب پارسی با گذشت قرن‌ها از زمان سرایش اولین حماسه‌ها پایان یافته است؟ و در نهایت اینکه آیا هر یک از انواع ادبی در دوره یا دوران خاصی پدید می‌آیند و با گذشت آن دوران برای همیشه متروک می‌مانند؟

حماسه، به‌عنوان یکی از اولین گونه‌های ادب پارسی، عموماً هم‌زمان با پیدایش تمدن‌های کهن ظهور می‌یابد و سال‌ها بعد از پیدایش آن، در دورانی که ملت‌ها نیازمند یادآوری مفاخر و گذشته غرورآمیز خویش‌اند، به اشعار حماسی بدل می‌شود. شعر دفاع مقدس نیز در دورانی که ملت ایران نیازمند رجوع به مفاخر ملی و دینی بود، با ارائه چهره‌های تازه از حماسه به چنین نیازی پاسخ گفت.

معنای لغوی و تعریف حماسه

«حماسه» واژه‌ای عربی است که از ریشه «ح م س» گرفته شده و در فرهنگ لغت عرب «الْحَمْس» به معنای «سخت و درشت در نبرد» و «الْحَمَاسَة» مصدری به معنی «سختی در کار و دلیری» است (طیبیان، ۱۳۸۰) و در زبان انگلیسی معادل واژه Epic می‌باشد.

و نیز «حماسه در لغت به معنی دلیری، دلاوری و شجاعت است و در اصطلاح، شعری است داستانی با زمینه قهرمانی، قومی و ملی که حوادثی خارق‌العاده در آن جریان دارد.» (داد، ۱۳۸۳)

حماسه را داستانی منظوم نامیده‌اند که با سبک و زبانی فاخر به روایت قهرمانی‌ها و پهلوانی‌ها و توصیف جنگ‌ها و نبردهای یک ملت برای کسب هویت و استقلال خویش می‌پردازد و در ضمن آن، ارزش‌ها و آرمان‌های ایشان را نیز بیان می‌کند. «در یک منظومه حماسی، شاعر هیچ‌گاه عواطف شخصی خویش را در اصل





اما به جز ویژگی‌هایی که برای حماسه برشمردیم، چهار زمینه اصلی و کلی در هر حماسه وجود دارد:

۱. زمینه داستانی
۲. زمینه قهرمانی
۳. زمینه ملی
۴. زمینه خرق عادت

ردپای حماسه را به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین گونه‌های ادبی در میان اقوام و ملل کهن می‌توان جست‌وجو کرد. ادبیات فارسی از دیرباز شاهد آفرینش منظومه‌هایی حماسی چون ایاتکار زریران، شاهنامه فردوسی، گرشاسب‌نامه اسدی توسی، برزنامه شمس‌الدین محمد کوسج، گشتاسب‌نامه دقیقی، بهمن‌نامه ایرانشاه ابی‌الخیر - در دوران متقدم - و ظفرنامه حمدالله مستوفی و شهنشاه‌نامه ملک‌الشعرا صبا - در دوران متأخر - بوده است.

انواع حماسه بر حسب موضوع

حماسه‌ها را بر حسب موضوعات آن‌ها می‌توان به چهار دسته اصلی تقسیم کرد: «**حماسه اساطیری** که از قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین نوع حماسه است. این گونه حماسه مربوط به دوران ماقبل تاریخ است و بر مبنای اساطیر شکل گرفته است؛ مثل حماسه سومری گیل‌گمش و بخش اول شاهنامه فردوسی (تا داستان فریدون).

۲. **حماسه پهلوانی** که در آن از زندگی پهلوانان سخن به میان آمده است. حماسه پهلوانی ممکن است جنبه اساطیری داشته باشد؛ مثل زندگی رستم در شاهنامه، و ممکن است جنبه تاریخی داشته باشد؛ مثل ظفرنامه حمدالله مستوفی و شهنشاه‌نامه صبا که قهرمانان آن‌ها وجود تاریخی داشته‌اند.

۳. **حماسه‌های دینی یا مذهبی** که قهرمان آن یکی از رجال مذهبی است و ساخت داستان حماسه بر مبنای اصول یکی از مذاهب است؛ مانند کمدی الهی دانته، خاوران‌نامه ابن‌حسام (شاعر قرن نهم) و خداوندنامه ملک‌الشعرا صبا.

۴. **حماسه عرفانی** که در ادبیات فارسی

فراوان است. در این‌گونه حماسه، قهرمانان بعد از شکست دادن دیو نفس و طی سفری مخاطره‌آمیز در جاده طریقت، نهایتاً به پیروزی که همانا حصول به جاودانگی از طریق فنا فی الله است، دست می‌یابد. منطق الطیر هم یک حماسه عرفانی است؛ منتها به شیوه تمثیلی سروده شده است.» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۵۴-۵۲)

سیر تطور حماسه

هر یک از انواع ادبی در طول سال‌ها و قرن‌های متمادی همانند بسیاری از پدیده‌های هستی در معرض تحول و دگرگونی‌هایی قرار می‌گیرد. حماسه نیز به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین انواع ادبی از چنین قاعده‌ای مستثنا نیست. رواج این گونه ادبی در ایران به قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری برمی‌گردد و از این دوران به بعد سیری نزولی در حماسه‌سرایی را شاهد هستیم. «به‌طور کلی، از اواسط قرن پنجم به بعد، حماسه‌سرایی در ایران به علت تسلط حکومت‌های ترک‌نژاد یا مغولان اثرات نامطلوب آنان بر فرهنگ ایرانی، و سپس تسلط فکری - مذهبی به‌واسطه حکومت صفویه دچار ضعف شد و به تدریج متروک ماند.» (مکاری‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۴)

اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که حماسه‌ها در چه زمانی سروده می‌شوند و یا محرک اصلی شاعران در سرودن منظومه‌های حماسی چیست. در پاسخ به این پرسش باید گفت «از آنجا که حماسه‌ها، مضمون و محتوای خاصی دارند و بیشتر تاریخ اولیه ملت‌ها را بازگو می‌کنند، در تاریخ ادبیات، ملت‌ها در دوران خاصی به‌وجود می‌آیند. از این‌رو اوج دوران حماسه‌سرایی در ادبیات هر ملت زمانی است که ملت‌ها به تجدید حیات ملی خود نیاز و توجه دارند و یادآوری شکوه تاریخ گذشته، وسیله‌ای برای تقویت روح ملی و ایجاد اتحاد در میان مردم است. در دوران معاصر نیز گاهی به این مقوله توجه شده است. سیاوش کسرای و مهرداد اوستا، «آرش کمانگیر» را

براساس روایت‌های حماسی قدیم، گلچین گیلانی، داستان رستم و سهراب را در منظومه «مهر و کیان» و ارسلان پوریا، «تازیانه بهرام» را با درک چنین نیازی سروده‌اند. (همان: ۱۶)

حماسه و شعر دفاع مقدس

«حماسه در میان انواع ادبی بیشترین کاربرد را در حوزه ادب پایداری دارد. هنگام وقوع حادثه، تکیه بر مفاخر کهن و تحریک عواطف و غرایز در آثار ادب حماسی نمودار می‌شود. چنان‌که در دوره‌های مختلف تاریخ ایران هنگام غلبه عواطف ملی، آثاری چون شاهنامه خلق شده است.» (کاکایی، ۱۳۸۵: ۳۹)

در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، آن‌گاه که هنوز ملت ایران به ثبات لازم بعد از دگرگونی‌های ناشی از تغییر نهاد قدرت دست نیافته بود، با دشمنی روبه‌رو گردید که به قصد تجاوز به سرحدات، به میدان نبرد پا گذاشته بود. در این میان، اغلب شاعران ایران‌زمین با سرودن اشعاری به تحریک ملت خویش برای ایستادگی در برابر هجوم دشمن و نیز تقویت وحدت و یکپارچگی در ایشان پرداختند.

پرسشی که در اینجا به ذهن خطور می‌کند این است: آیا می‌توان به اشعاری که در حال و هوای جنگ تحمیلی و یا به عبارتی دفاع مقدس سروده شده‌اند، حماسه اطلاق کرد؟

برای پاسخ دادن به چنین پرسشی، رجوع به تعاریفی از حماسه و سپس شعر دفاع مقدس ضروری به‌نظر می‌رسد. همان‌طور که در آغاز این نوشتار آمد، حماسه در اصطلاح شعری است داستانی با زمینه قهرمانی، قومی و ملی که در حوادثی خارق‌العاده در آن جریان دارد. در معرفی شعر دفاع مقدس نیز باید گفت: «شعری است که در برهه‌ای از زمان و در رویارویی با هجوم دشمن متجاوز (ولی با هیچ پیشینه‌ای)، توسط شاعران انقلاب، که اغلب هم جوان بودند، به‌صورت بازتاب عاطفی در برابر واقعه‌ای ملموس و واقعی پدید آمده است.» (ترابی،

۱۳۸۹: ۳۲)

آنچه را می‌توان به‌عنوان وجوه اشتراک حماسه‌های کهن و شهر دفاع مقدس تعیین کرد، «قهرمان داشتن» و «قومی و ملی بودن» این دو مقوله است.

۱. زمینۀ قهرمانی

در تعریف ارائه شده از شعر دفاع مقدس، عنصری به نام «قهرمان» مانند آنچه در حماسه‌های کهن تعریف شده است یافت نمی‌شود اما طبیعی به نظر می‌رسد که در هر نزاع و جنگی که میان کشورها رخ می‌دهد، عده‌ای در راه دفاع از وطن به مبارزه با دشمن بپردازند. این افراد به خاطر داشتن خصایصی همواره مورد تحسین ملت خویش واقع می‌شوند. در شعر دفاع مقدس نیز شهدا و رزمندگان که قهرمانان اصلی محسوب می‌شوند، بارها و بارها از سوی شاعران سرزمین خویش ستایش شده‌اند اما چنان‌که پیداست در حماسه‌های کهن، قهرمانان اگرچه با اوصافی خیالی و موهوم، انسان‌هایی برجسته و معین‌اند؛ لذا حماسه‌سرا به توصیف اعمال، حالات و حتی ظاهر هر کدام از ایشان می‌پردازد. حال آنکه در شعر دفاع مقدس، به اندازه‌ی تمامی رزمندگان و شهدای جنگ هشت‌ساله‌ی تحمیلی، قهرمان وجود دارد و شاعر اغلب بدون آنکه نام شهید را ذکر کند، به توصیف تمام شهدا می‌پردازد. پس می‌توان گفت شاعر با قهرمانانی نامعین - اگرچه حقیقی - روبه‌روست. شاید به همین دلیل است که ترجیح می‌دهد بیشتر به توصیف روحیات و خصایص معنوی مشترک آنان بپردازد تا ظواهر و خصوصیات منحصر به فردشان.

وجود قهرمان در هر دو مقوله‌ی مورد بررسی مشترک است اما قهرمان حماسه‌های کهن، بسته به نوع حماسه - اساطیری یا پهلوانی - گاه اسطوره و گاه پهلوان‌اند. یعنی قهرمانانی تخیلی که ضمن داشتن نیروهای معنوی، اعمال خارق‌العاده‌ای نیز از آن‌ها سر می‌زند اما قهرمانان شعر دفاع مقدس، انسان‌هایی عادی هستند، بی‌هیچ نیروی خارق‌العاده

و موهومی.

شاعران دفاع مقدس با توصیف ویژگی‌های معنوی چنین قهرمانانی اعجاب و تحسین شنونده را برمی‌انگیزند. ویژگی‌هایی چون ایمان، ایثار، شجاعت، جانبازی و ...؛ به بیانی دیگر، اگر در حماسه‌های کهن حماسه‌سرا با ذکر ویژگی خارق‌العاده‌ی قهرمانان حس اعجاب و شگفتی را در خواننده برمی‌انگیزد، در شعر دفاع مقدس، شاعر این احساس را تنها به‌وسیله‌ی توصیف معنویات و فضایل روحی قهرمانان در مخاطب ایجاد می‌کند.

۲. زمینۀ ملی

وجه مشترک دیگر حماسه‌های کهن و اشعار دفاع مقدس، زمینۀ ملی و قومی آن دو است. اشعار دفاع مقدس که در پی حمله دشمن خارجی به مرزهای کشورمان سروده شد، به‌منظور تقویت همین روحیۀ ملی بوده است. ضمن آنکه با مطالعه‌ی شعر دفاع مقدس می‌توان به روحیات، عقاید، باورهای دینی و مذهبی، مشکلات و معضلات اقتصادی - سیاسی و ... جامعۀ ایران در دوران نه چندان دور وقوف یافت.

در حماسه‌های کهن نیز «حوادث قهرمانی - که به منزله‌ی تاریخ خیالی یک ملت است - در بستری از واقعیات جاری است و آن عبارت است از خصایص اخلاقی آن جامعه و نظام اجتماعی و

زندگی سیاسی و عقاید او در مسائل فکری و مذهبی. ... شاهنامه نیز تصویری است از جامعه ایرانی در جزئی‌ترین ویژگی‌های حیاتی مردم آن. ... طرز تفکر مردم، عقایدشان در باب آفرینش و زندگی و مرگ و آنچه به حیات آن سرزمین و مردم پیوستگی دارد در حماسه آن ملت و سرزمین تصویر می‌شود.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۰۶) از این‌روست که می‌توان با مطالعه حماسه‌های کهن به مجموعه آداب و رسوم ملل کهن جهان پی برد. اما با وجود این شباهت‌ها شعر دفاع مقدس و حماسه‌های کهن از دو حیث دیگر، تفاوت‌هایی با هم دارند:

دو خصیصه خرق عادت و داستانی بودن - تفاوت‌ها - ناشی از اختلاف زمانی میان وقوع حماسه‌ها و سرایش آن‌هاست

کارهایی که در قرون متواتر و اعصار متوالی صورت گرفت، به تدریج فواصل زمانی و مکانی خود را از دست می‌دهد و با یکدیگر مربوط می‌شود و مانند سلسله علل و معلول به شکل وقایع منظم و مرتبی در می‌آید و این داستان‌ها که در آغاز کار مختصر است، به تدریج بر اثر نقل ناقلان و روایت راویان و شاخ و برگ‌هایی که هر یک بر آن می‌افزایند، تفصیل بیشتری می‌یابد و آرمان‌های ملی و مقاصد قوم در آن بیشتر متجلی می‌شود.» (صفا، ۱۳۸۴: ۸)

نتیجه‌گیری

روشن شد که حماسه‌های کهن و اشعار دفاع مقدس ضمن برخورداری از بعضی اشتراکات (قهرمان داشتن و ملی بودن) تفاوت‌هایی (خرق عادت و داستانی بودن) نیز دارند اما به نظر می‌رسد که وجوه اشتراک بر تفاوت‌ها برتری دارد. چرا که همان‌طور که گفته شد، دو خصیصه خرق عادت و داستانی بودن - تفاوت‌ها - ناشی از اختلاف زمانی میان وقوع حماسه‌ها و سرایش آن‌هاست و اینکه نمی‌توان گفت این دو ویژگی مطلقاً در شعرهای دفاع مقدس وجود ندارند اما از آنجا که اشعار دفاع مقدس در همان زمان وقوع حماسه سروده شده‌اند و نه سال‌ها بعد، عموماً فاقد این دو ویژگی‌اند. البته به صرف وجود این دو خصیصه نمی‌توان عنوان حماسه را از روی این اشعار برداشت. پس اگر بپذیریم که موضوع حماسه «... امر جلیل و مهمی است که سراسر افراد ملتی در اعصار مختلف در آن دخیل و ذی‌نفع باشند، (مانند مشکلات و حوائج ملی از قبیل مسئله تشکیل ملیت و تحصیل استقلال دفاع از دشمنان اصلی و امثال این‌ها) چنان‌که در شاهنامه و حماسه‌های ملی جهان ملاحظه می‌شود.» (صفا، ۱۳۸۴: ۳ و ۴)

دنباله مطلب در وبگاه نشریه



باشند، به توصیف صحنه‌ها، قهرمانان، شرایط سیاسی، اجتماعی و ... می‌پردازند. در صورتی که حماسه‌های کهن داستان‌ها و روایت‌هایی هستند که توصیف‌ها و تصاویر موجود در آن‌ها نسبت به داستانی بودنشان، در مرتبه دوم اهمیت قرار دارد. این ویژگی در حماسه‌های کهن نیز همچون ویژگی قبل - خرق عادت - ناشی از اختلاف زمانی وقوع حماسه‌ها با سرایش آن‌هاست.

ناگفته پیداست که حماسه‌های کهن از نظر زمانی به دورانی بسیار دور - حتی ماقبل تاریخ - باز می‌گردند و حوادث آن‌ها به لحاظ مکانی بعضاً در محدوده‌ای بسیار گسترده و در عین حال مبهم رخ داده است. علت این امر آن است که «...

۱. تفاوت در زمینه خرق عادت

یکی از وجوه تمایز این دو مقوله، زمینه خرق عادت یا وفور اغراق‌های شاعرانه در کهن حماسه‌ها و در مقابل، کاربرد اندک خرق عادت در شعر دفاع مقدس است. شاید بتوان علت کثرت اغراق در حماسه‌های کهن را تعلق حماسه‌های کهن به اعصار و قرون باستانی دانست. «در ایام وقوع حوادث پهلوانی آدمی تماشاگر و بیننده واقعه‌ای است که در حقیقت و واقع با اعمال عادی بشری چندان متفاوت نیست اما نتایجی که از این اعمال گرفته می‌شود (مثلاً ایجاد استقلال ملی، دفع دشمنان و بداندیشان، تحکیم مبانی ملیت و ...) بر اثر اهمیت و ارزشی که دارد به تدریج آن اعمال را به چشم نسل‌های آینده بزرگ می‌کند و چیزهایی که بر آن افزوده می‌شود و پهلوانانی که از ایشان خاطراتی می‌ماند، به تدریج به درجات فوق بشری ارتقایی جویند و اعمال ایشان در شمار خوارق عادت در می‌آید.» (صفا، ۱۳۸۴: ۸) در صورتی که در شعر دفاع مقدس به دلیل نبود فاصله زمانی میان وقوع حادثه و سرایش اشعار، از شاخ و برگ‌ها و اغراق‌های بی‌شمار شاعران و راویان خبری نیست.

۲. تفاوت در زمینه داستانی

اشعار دفاع مقدس برخلاف حماسه‌های کهن بیش از آنکه جنبه داستانی داشته